

تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر (۲۰۱۳ میلادی)

عباس کعبی^۱، سیدحجت‌اله علم‌الهدی^۲، علی فتاحی زفرقندی^{۳*}

۱- عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۷

دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۵

چکیده

تحقق هر انقلاب سیاسی در دنیای معاصر به معنای عبور مردم از ارزش‌های مسلط بر نظام حاکم و تحقق مطالبات و خواسته‌های عمومی در عرصه‌های فردی و اجتماعی است. انقلاب ۲۵ ژانویه مردم مصر با اهداف آزادیخواهانه و اسلام‌گرایانه طاغوت مصر را سرنگون نمود و در مسیر استقرار حکومتی بر پایه قسط و عدل الهی و مسلط نمودن ارزش‌های انسانی پیشرفت. آنچه برای ماندگار شدن این خواسته‌ها ضروری به نظر می‌رسید قرار گرفتن اندیشه‌های زلال انقلابی در ساختاری حقوقی و سیاسی بود تا از دست‌اندازی معاندان آزادی ملی در امان باشد و برای همه نسل‌های مصر جاودان باقی بماند. مهم‌ترین سند حقوقی و سیاسی که می‌تواند در بردارنده این شاخصه‌های اساسی باشد قانون اساسی است که به وسیله نمایندگان مردم نگارش می‌یابد و مطابق با خواست عموم جامعه به تصویب می‌رسد. قانون اساسی سال ۲۰۱۳ مصر با همه فراز و نشیب‌ها در همه‌پرسی با کسب حدود ۶۳/۸ درصد آرا به تصویب رسید. بررسی فرآیند تصویب قانون اساسی جدید مصر و ساختارهای حقوقی و سیاسی مصر بعد از انقلاب می‌تواند در فهم صحیح وضعیت حقوقی مصر جدید و حدود تحقق خواسته‌های مردمی بر اساس آن راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: قانون اساسی، شریعت، آزادی، ساختار حکومت، وحدت اسلامی.

مقدمه

تحقق هر انقلاب سیاسی نشانگر عبور مردم از ارزش‌های مسلط بر نظام حاکم و عزم مصمم آن‌ها برای رسیدن به اهداف و آرمانهای مطلوب است. (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۳۱۳ و ۵۸۹) انقلاب ۲۵ ژانویه مصر در اثر مجموعه‌ای از راهپیمایی‌ها، تظاهرات‌ها، نافرمانی‌های مدنی و اعتراضات و با حدود حداقل ۱۳۵ شهید مردمی و با اهداف مقدس آزادیخواهانه و اسلامگرایانه به پیروزی رسید.

ملت مصر که بعد از تحمل سال‌ها رنج و مشقت ناشی از حکومت‌های مستبد نظیر حکومت حسنی مبارک و تحمل تحقیر ناشی از پذیرش قراردادهای ننگین داخلی (مانند معاهدات حفر کانال سوئز و دخالت انگلستان و فرانسه) و سازش خارجی (مانند معاهدات صلح با اسرائیل در پایان جنگ شش روزه و معاهده کمپ دیوید) که حمیت و عصبیت اسلامی و عربی آن‌ها را لگدمال نموده بود و مشاهده سال‌ها غارت و چپاول اموال و ثروت‌های ملی و زیر پا قرار گرفتن عزت و کرامت انسانی خود؛ با به ثمر نشستن انقلاب فرصتی یافتند تا آزادانه و بدون دخالت‌های نابه جا برای دستیابی به آرمان‌های والای الهی - انسانی به عرصه اجتماع آمده و عظمت و بزرگی تاریخ و تمدن مصر و توانایی اثرگذاری آن در جهان امروز را به منصفه ظهور بگذارند. (مقدمه قانون اساسی)

در این میان می‌بایست عزم راسخ ملت در تحقق اهداف انقلاب در اندیشه‌ای حقوقی و دارای ضمانت اجرا جلوه‌گر شود تا مانع از هرگونه دست اندازی شده و به عنوان میراثی گرانبها برای همه ملت مصر ماندگار بماند. در همین راستا قانون اساسی هر کشوری مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که با در نظر گرفتن سلیقه‌های مختلف می‌تواند به عنوان عالی‌ترین سند حقوقی شامل تمام اصول سیاسی، ساختار حکومتی، سلسله مراتب و جایگاه قدرت و حدود و نحوه اعمال آن بر عموم جامعه، اصول حاکم بر روابط فرمانبران و فرماندهان و حقوق شهروندی و ضمانت اجرای ناشی از تخطی از آن‌ها باشد. (قاضی، ۱۳۸۹: ۴۰)

ملت و رهبران انقلابی مصر با در نظر گرفتن این نکته خطیر در پی تدوین قانون اساسی مطابق با شرایط مصر جدید برآمدند و مردم با انتخاب نمایندگان خود در مجلس مؤسسان قانون اساسی بر آن شدند تا اختیاراتی که در دوره انتقال قدرت از طریق برگزاری انتخابات توسط شورای نظامی به صورت موقت به رئیس‌جمهور اعطا گردیده بود را در

مسیر قانونی خود قرار دهند و از منحرف شدن اهداف انقلاب جلوگیری نمایند. به همین منظور مجلس مؤسسان پیش‌نویسی را در ۲۳۲ ماده مصوب کرده بود جهت برگزاری همه‌پرسی به رئیس‌جمهور ابلاغ نمود تا مردم تصمیم گیرنده نهایی در رابطه با پذیرش یا عدم پذیرش مهم‌ترین سند حقوقی کشور خود باشند. پیش‌نویس مذکور در همه‌پرسی ۱۵ دسامبر ۲۰۱۳ با کسب ۶۳/۸ آرا به تصویب مردم مصر رسید و لازم‌الاجرا گردید.

بررسی قانون اساسی مصر می‌تواند نمایی کلی از حکومت مصر بعد از انقلاب و حدود و وظایف قدرت عمومی و حدود آزادی‌های شهروندان را به نمایش بگذارد و روشنگر این مطلب باشد که آیا این قانون اساسی می‌تواند پاسخگوی آرمان‌های مردم انقلابی مصر باشد یا خیر؟ قبل از پرداختن به موضوع قانون اساسی جا دارد به سابقه تدوین قوانین اساسی، نوع حکومت و ساختار اداری کشور مصر اشاره نماییم.

۱- نگاهی به تاریخ قوانین اساسی در مصر

جمهوری عربی مصر در شمال آفریقا و در مجاورت کشورهای لیبی، سودان، اردن و اسرائیل قرار دارد و به علت موقعیت ویژه جغرافیایی که واصل دریای مدیترانه و دریای سرخ به اقیانوس هند می‌باشد؛ به عنوان کشوری تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه شناخته می‌شود. تاریخ مصر با فراز و نشیب‌های فراوان شاهد حکام مقتدر و یا اشغالگری بیگانگان در ادوار مختلف تاریخی بوده است. (گلی زواره، ۱۳۷۲: ۳۴۵-۳۴۳) اولین قانون اساسی مصر در سال ۱۹۲۳ به نگارش در آمد اما بعد از آن در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۵۸، ۱۹۶۴ و ۱۹۷۱ مورد بازنگری‌های کلی و جزئی قرار گرفت. قانون اساسی ۱۹۷۱ که مبتنی بر قانون اساسی مصوب در دوران زعامت جمال عبد الناصر در سال ۱۹۵۶ نگارش یافته بود؛ ساختار اقتدارگرایانه و تک حزبی حاکمیت را حفظ می‌نمود. سرانجام در ۲۲ مه ۱۹۸۰ به علت فشارهای مردمی و معاهده صلح مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ قانون اساسی مصر مورد بازنگری قرار گرفت و تغییرات چشمگیری در ساختار سیاسی و حکومتی مصر ایجاد نمود برای نمونه تأسیس نظام چند حزبی^(۱)، تعیین زبان عربی به عنوان زبان رسمی و فقه اسلامی به عنوان مرجع اصلی قانونگذاری^(۲)، تأسیس مجلس شوراها^(۳) تخصصی ملی با هدف ارائه مشورت به رئیس‌جمهور و کابینه^(۳) و تثبیت مطبوعات به عنوان نهادهای مردمی

و مستقل^(۴) از جمله آن‌هاست (ال مدکس، ۱۳۸۵: ۴۵۹-۴۶۲)

بر اساس این قانون اسلام دین رسمی مردم مصر و منبع اصلی قانونگذاری محسوب می‌گردد که نشانگر جایگاه ویژه دین مبین اسلام در میان مردم مصر می‌باشد. هرچند که در قانون اساسی ۱۹۸۰ مرجعی برای حراست از قوانین مخالف اسلام پیش بینی نگردیده بود. مفهوم شریعت اسلامی که در این قانون به کار رفته است از دو بعد قابل اشکال و بررسی است: بعد اول مفهوم و برداشت‌های گوناگون از واژه شریعت اسلامی در طول تاریخ و بعد دوم معنای حقیقی شریعت در اصل دوم. درگیری نظری سکولارها با مسلمانان نیز به تفسیر و حدود و ثغور این عبارت بر می‌گردد. لازم به ذکر است که تعریف دادگاه قانون اساسی از اصل دوم نیز، در حل این معضل تأثیرگذار نبود.

۲- روند تحولات تدوین قانون اساسی

بررسی فرآیند منتهی به تصویب قانون اساسی نشانگر آن است که این روند روندی حقوقی نبوده و تحولات سیاسی بر اندیشه حقوقی غلبه یافته است. در جریان شکل‌گیری انقلاب مردمی و اسلامی مردم مصر مهم‌ترین شعار مردم اسقاط نظام دیکتاتوری حسنی مبارک و محو تمام نظامات وابسته به حکومت او بود^(۶) که تحقق این هدف بدون تشکیل مجلسی جهت تدوین قانون اساسی مطابق با آرمان‌های مردمی امکانپذیر نبود.

(<http://mideast.foreignpolicy.com>)

اما در جریان پیروزی انقلاب، شورای نظامی که پسماندی از حکومت حسنی مبارک بود به نام ملت، حکومت را در دست گرفت و مدعی اداره وضعیت انقلابی شد. این شورا در بیانیه‌ای به نام «بیانیه قانون اساسی» روند شکل‌گیری حقوقی نظام را تعیین نمود و اصلاح قانون اساسی دوره حسنی مبارک را در دستور کار خود قرار داد. نتیجه این اتفاق تبدیل شعار مردمی «الشعب یرید اسقاط النظام» به مفهوم خود ساخته «الشعب یرید اصلاح النظام» بود و مردم به رهبری گروه‌های مبارز اسلام خواه از جمله اخوان المسلمین و دیگر جریان‌های فکری حاکم در فرآیند تدوین با ۷۰ درصد آراء خواستار اصلاح قانون اساسی به جای تدوین متن جدید گردیدند.

شورای نظامی بعد از صدور بیانیه قانون اساسی تشکیل و چارچوب بندی نهادهای اساسی حکومت از جمله انتخابات‌های ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان و مجلس

مؤسسان قانون اساسی را بر عهده گرفت و مهم‌ترین تصمیمات کشور براساس خواست آن‌ها اتخاذ گردید. (فتاحی، ۱۳۹۱: ۲۷)

مهم‌ترین اهداف شورای نظامی در دو حیطه داخلی و خارجی عبارت بود از:

۱- پاسداری از معاهدات بین‌المللی به ویژه کمپ دیوید و حفظ ارتباط با اسرائیل و آمریکا.

۲- خارج نمودن قدرت هدایت مردم از دست اسلام‌گرایان و ذوب نمودن آن‌ها در دولتی با ویژگی‌های سکولار.

۳- مبانی قانون اساسی مصر جدید

از آنجا که قوانینی اساسی بیانگر خواسته‌ها و آرمان‌های یک ملت و قطب‌نمایی برای رسیدن به این اهداف والا می‌باشد بررسی مبانی و اصول پایه‌ای قانون اساسی ۲۰۱۳ مصر در فهم صحیح و عمیق موضوعات و مواد آن راهگشاست.

۳-۱- تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی

یکی از نقاط برجسته و قابل توجه قانون اساسی جدیدی مصر نگاه ویژه به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی است. به عبارت دیگر بر اصول پذیرفته شده در اعلامیه‌های حقوق بشر به نحو افراطی تاکید گردیده است. قانونگذاری در عرصه همه حقوق و آزادی‌های کلاسیک (مانند آزادی جان، فکر و جمعیت) و نوین (مانند حقوق فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) (عباسی، ۱۳۸۸: ۳۶۳ به بعد) نشانگر اوج اعتقاد مجلس مؤسسان قانون اساسی به این موضوع است. (قانون اساسی: مواد ۸۱ - ۳۱)

۳-۲- نقش مردم در اداره کشور

نقش مردم در تحقق نظام‌های مبتنی بر دموکراسی غیر قابل انکار است. حق عموم جامعه در تعیین سرنوشت سیاسی خود یکی از اصول پذیرفته شده در اندیشه سیاسی معاصر است. بر مبنای همین حق در مواد متعددی از قانون اساسی مصر به اصل تعیین حق سرنوشت سیاسی (قانون اساسی: ماده ۶) و نحوه اعمال آن از طریق قوای مقننه و مجریه اشاره گردیده است (قانون اساسی: مواد ۱۱۳، ۱۲۸ و ۱۳۳). علاوه بر حق مردم در تعیین حاکمیت و انتخاب حکمرانان سیاسی به نقش مردم در اداره امور محلی نیز توجه گردیده و شوراهای منتخب مردم، وظیفه تصمیم‌گیری و اجرا در ابعاد محلی را برعهده دارند.

۳-۳- عدالت اجتماعی

یکی از مطالبات مردم مصر در مسیر انقلاب، که در تظاهرات‌ها، اعتصابات و نافرمانی‌های مدنی به وضوح ملاحظه می‌گردید عدالت اجتماعی بود. شعار «عیش، حریره، عداله اجتماعی، کرامه انسانی» (مقدمه قانون اساسی) از این واقعیت پرده برمی‌دارد. تدوین‌گران قانون اساسی مصر با توجه به این خواسته عمومی در موارد متعددی به مباحث عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلف توجه نموده‌اند. (قانون اساسی: مواد ۸، ۱۱، ۳۵، ۳۶، ۳۸)

۳-۴- تفکیک قوا

ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه؛ جامعه بدون تفکیک قوا را فاقد قانون اساسی می‌داند. در راستای ضرورت این امر و مقابله با استبداد و خودکامگی حاکمان مجلس مؤسسان قانون اساسی مصر؛ قدرت حکومت را بر مبنای تفکیک قوای معاصر میان سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه تقسیم نموده‌اند که در بخش‌های آینده به تفصیل به بررسی شکل ساختاری هر یک از قوا خواهیم پرداخت.

۳-۵- حاکمیت اسلام

با تحقق انقلاب مردمی، بارقه‌های امید در قلوب مردم مسلمانی که از قرون صدر اسلام همواره تأثیرگذاری فراوانی بر شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلامی داشته‌اند، شعله‌ور گردید اما در صحنه عمل مجلس مؤسسان قانون اساسی به نقش اسلام در حاکمیت سیاسی نگاهی حداقلی داشته است که در آینده مفصلاً مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۴- بررسی مفاد قانون اساسی مصر

قانون اساسی سال ۲۰۱۳ مصر از بخش‌های مختلفی تشکیل گردیده که در چند بخش زیر به بررسی آن می‌پردازیم:

۴-۱- اصول و مبادی سیاسی^(۷)

«جمهوری مصر» دارای حاکمیت یکپارچه و مستقل و بدون هرگونه تقسیم و تجزیه است (قانون اساسی، ماده ۱) که حق حاکمیت در آن براساس اصول دموکراتیک به مردم واگذار گردیده است. مشارکت همگانی، تحقق شوراها و رعایت حقوق شهروندی پایه‌های تشکیل حکومت‌اند و قدرت حاکمیت به صورت موازنه قدرت و تفکیک قوا تقسیم شده

است. احترام به حقوق بشر و شهروندی و احترام به آزادی‌های فردی و سیاسی و اجتماعی از اصول اساسی این قانون است. (قانون اساسی، ماده ۶)

دین رسمی و حاکم بر کشور مصر دین اسلام است که به عنوان منبع اصلی قانونگذاری به شمار می‌رود. (قانون اساسی، ماده ۲)

۲-۴- حقوق بشر و شهروندی^(۸)

از ویژگی‌های حکومت‌های مردم سالار امروزی احترام و حفظ حریم حقوق و آزادی‌های شهروندان در جامعه و تعیین ضمانت اجرایی جهت اجرای شدن این اصول است. (قاضی، ۱۳۸۳: ۵۳۳) برآیند شکل‌گیری نهضت انقلابی ملت مصر و مجموعه آرمان‌های مطلوب و خواسته‌های اساسی آن‌ها نشانگر ظلم و استبداد حکومت گذشته و خاطرات تلخ آن‌ها در لکه‌دار شدن حیثیت اسلامی و انسانی آن‌ها و عزم راسخ برای احیای آزادی‌های مشروع خود است. مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌هایی که در عموم عهدنامه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی و به طور خاص در میثاق جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است در قانون اساسی مصر ذکر شده است. مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های شهروندان مصری در این قانون در سه دسته حقوق فردی و حقوق سیاسی و حقوق اقتصادی - اجتماعی عبارت‌اند از:

۱-۲-۴- حقوق فردی

- حفظ کرامت و عزت انسانی (قانون اساسی، ماده ۳۱)
- حق تابعیت برای هر مصری (قانون اساسی، ماده ۳۲)
- حرمت پیکر انسانی و ممنوعیت تجارت اعضا (قانون اساسی، ماده ۴۱)
- برابری همه مردم در برابر قانون (قانون اساسی، ماده ۳۳)
- ممنوعیت بازداشت، بازرسی حریم شخصی، بازرسی مکالمات و ارتباطات، تفتیش خانه، تبعید مگر به حکم دادگاه صالح قضایی و به موجب قانون. (قانون اساسی، ماده ۳۵)

۲-۲-۴- حقوق سیاسی

- حق تعیین سرنوشت مردم به دست خود آن‌ها (قانون اساسی، ماده ۵۵)
- آزادی تاسیس انجمن‌ها، احزاب و سندیکاها در حمایت از افراد (قانون اساسی، ماده ۵۱ و ۵۲)

- حق مردم در توصیه‌های گفتاری و نوشتاری به مسئولین و دستگاههای قدرت عمومی (قانون اساسی، ماده ۵۴)

- آزادی عقیده، اندیشه، بیان، دسترسی آزاد به اطلاعات، مطبوعات، آزادی چاپ و آزادی برگزاری تجمعات عمومی و مسالمت آمیز (قانون اساسی، ماده ۴۸ و ۴۹)

۳-۲-۴- حقوق اقتصادی - اجتماعی

- آزادی تحقیقات علمی (قانون اساسی، ماده ۵۹)

- آزادی حق کار و وظیفه دولت در تامین شرایط کار (قانون اساسی، ماده ۶۳)

- بهره مندی از آموزش رایگان در همه مؤسسات دولتی در همه مقاطع و الزامی بودن آموزش دوره ابتدایی برای همه مردم و وظیفه دولت در ایجاد زمینه‌های الزام در سایر مقاطع (قانون اساسی، ماده ۵۸)

- به رسمیت شناختن حق اعتصاب مسالمت آمیز (قانون اساسی، ماده ۶۳)

- وظیفه دولت در تحقق حقوق تامین اجتماعی، تامین مسکن، آب، غذا، تمرینات

ورزشی و نیازهای قشر جوان و نوجوان جامعه (قانون اساسی، ماده ۶۵، ۶۷ و ۶۹)

- حمایت از افراد معلول و عقب افتاده (قانون اساسی، ماده ۷۲)

- اما آنچه از اهمیت بیشتری از ذکر حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در قانون اساسی برخوردار است مساله نحوه تامین ضمانت اجرای دولت نسبت به این موارد قانونی است. در صورتی که قانونگذار ضمانت اجراهای لازم جهت اجرایی شدن این اصول را مد نظر قرار نداده باشد اصول مزبور قابلیت اجرایی نمی‌یابد و در حد نوشتاری باقی می‌ماند و آرزوهای مردم در دستیابی به عزت و کرامت انسانی نقش بر آب می‌گردد.

۳-۲-۴- قوای حکومتی^(۹)

به علت وجود فشارها و خواسته‌های مردمی در انقلاب مصر و خاطرات تلخ دوران دیکتاتوری حسنی مبارک در ماده ۶ قانون اساسی مصر به صراحت به موازنه در قدرت عمومی و تفکیک قوا جهت جلوگیری از تمرکز قدرت در اختیار یک گروه یا فرد خاص اشاره دارد تا قدرت در اختیار مردم باقی بماند و از طریق آن‌ها و به صورت مشروع به دیگران اعطا شود. بر همین اساس ساختار حکومت مصر براساس قاعده تفکیک قوا طرح ریزی شده و قدرت در میان نهادهای حاکمیت تقسیم گردیده و هر یک از قوا موظف‌اند تا وظایف محوله در قانون اساسی را در عین ارتباط سازنده با یکدیگر به صورت مستقل

اجرایی سازند. (قاضی، ۱۳۹۰: ۱۸۵)

براساس این متن قوای حاکمه در کشور به صورت مرسوم به سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه تقسیم می‌شوند که حدود وظایف و اختیارات ونحوه شکل‌گیری و ساختار اداره هر کدام به تفکیک بررسی می‌گردد:

۱-۳-۴- قوه مقننه^(۱۰)

باب سوم در فصل اول به مجموعه وظایف و اختیارات قوه مقننه اختصاص یافته است. طبق این پیش‌نویس، قانون اساسی مصر نظام دو مجلسی را پذیرفته است که عبارت‌اند از: «مجلس نمایندگان»^(۱۱) و «مجلس شورا»^(۱۲)

۱-۳-۱- مجلس نمایندگان

به عنوان یکی از ارکان قانونگذاری در کشور مصر با حداقل ۳۵۰ نماینده تشکیل می‌شود. (قانون اساسی، ماده ۱۱۳) اعضا از طریق انتخابات و با رأی مستقیم و مخفی مردم انتخاب می‌گردند. مدت دوره نمایندگی مجلس ۵ سال میلادی از تاریخ تشکیل اولین جلسه است. (قانون اساسی، ماده ۱۱۴)

۲-۳-۴- مجلس شورا

مجلس شورا به عنوان دومین رکن قانونگذاری در مصر ساختاری انتخابی - انتصابی دارد. تعداد اعضای این مجلس حداقل ۱۵۰ نفر است که یک دهم آن‌ها توسط رئیس‌جمهور انتخاب می‌گردند و سایر اعضا نیز از طریق انتخاباتی محرمانه و مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شوند (قانون اساسی، ماده ۱۲۸). دوره نمایندگی مجلس شورا ۶ سال است و نیمی از اعضا در هر نیم دوره (۳ سال) تغییر می‌کنند (قانون اساسی، ماده ۱۳۰). رئیس مجلس شورا برای هر نیم دوره انتخاب می‌شود و بعد از تغییر نیمی از اعضا مجدداً دوباره برای انتخاب رئیس مجلس انتخابات برگزار می‌گردد. (قانون اساسی، ماده ۹۷)

در پیش‌نویس قانون اساسی اشاره‌ای به وظایف و اختیارات این مجلس نشده و تنها مورد مصرح درباره دوره‌ای است که مجلس نمایندگان منحل گردیده یا به هر دلیل دیگر جلسات این مجلس تشکیل نمی‌گردد که در این صورت اختیار قانونگذاری به مجلس شورا داده می‌شود هر چند بعد از تشکیل مجدد مجلس نمایندگان مصوبات این دوره باید در این مجلس تصویب گردد. علاوه بر این در صورت انحلال مجلس نمایندگان، رئیس‌جمهور تنها در برابر اعضای مجلس شورا سوگند یاد می‌کند. (قانون اساسی، ماده ۱۳۱)

۳-۱-۳-۴- اصول کلی حاکم بر مجلس و نمایندگی آن

قانون اساسی مصر جهت جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از سمت خطیر نمایندگی مجلس و تبدیل قدرت نمایندگی به حربه‌ای برای کسب منافع شخصی و ایجاد مانع در راه قوه مجریه برای در اختیار گرفتن نبض قانونگذاری قواعد ویژه‌ای را در نظر گرفته است: اولاً هر فرد تنها حق نمایندگی در یکی از مجالس نمایندگان یا شورا را دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند همزمان عضویت هر دو مجلس نمایندگان و شورا را داشته باشد؛ (قانون اساسی، ماده ۸۳)

ثانیاً یکی از خطرات همیشگی که مقام نمایندگی را تهدید می‌کند تطمیع مالی نمایندگان توسط کانون‌های قدرت و ثروت خصوصاً قوه مجریه است تا مسیر قانونگذاری از راه تحقق خواسته‌های مردمی و نفع عمومی خارج شده و نفع عده‌ای معدود بر منافع ملی ترجیح داده شود. به همین دلیل قانون اساسی دو راهکار مهم را مقرر می‌دارد: اول آنکه نماینده مجالس نمایندگان و شورا می‌بایست ابتدای نمایندگی خود اقرار نامه‌ای از وضعیت مالی خود ارائه دهد و دیگر اینکه نمایندگان مجلسین از انجام هرگونه معامله و انعقاد قرار داد با دولت در دوره نمایندگی منع شده‌اند. (قانون اساسی، ماده ۸۸)

ثالثاً؛ یکی از تمهیدات اساسی جهت هموار نمودن انجام وظایف نمایندگی خصوصاً در حیطه نظارت بر قوه مجریه اعطای برخی مصونیت‌های قانونی به نمایندگان است تا آزادی آن‌ها در اظهارنظرها و انجام وظایف حفظ گردد و دغدغه و ترس از محکوم شدن به جرایم در راستای انجام وظایف قانونی مانع تحقق این مهم نشود. به همین جهت در قانون اساسی مصر مصونیت نمایندگان مجلسین پذیرفته شده است. براین اساس نمایندگان مجالس نمایندگان و شورا در انجام وظایف نمایندگی و اظهار نظرهای خود دارای مصونیت هستند و در مقابل در صورت ارتکاب جرایم دیگر مقرر در قانون با رعایت شرایط مجازات خواهند شد. (قانون اساسی، ماده ۸۹)

۲-۴- قوه مجریه^(۱۳)

براساس قانون اساسی مصر قوه مجریه این کشور در طیف قوای مجریه نیمه ریاستی یا نیمه پارلمانی قرار می‌گیرد. قوای مجریه نیمه ریاستی دارای ویژگی‌هایی هستند که در نحوه تقسیم قدرت در ارکان حاکمیت مصر به خوبی مشاهده می‌شود.

قوه مجریه این کشور دو رکنی و متشکل از رئیس‌جمهور به عنوان رئیس کشور و نخست‌وزیر به عنوان رئیس شورای وزیران است. رئیس‌جمهور با رأی مستقیم مردم و با اختیارات گسترده انتخاب می‌گردد در حالی که نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور به مجلس معرفی شده و می‌بایست پاسخگوی اعمال خود در برابر مجلسین باشد و تحت نظارت نمایندگان مردم قرار دارد.

هرچند اختیارات فراوان رئیس‌جمهور که به قوای دیگر هم تسری یافته مصر را شبیه نظام‌های ریاستی نموده اما حق پارلمان در استیضاح و نظارت و باز پس‌گیری رأی عدم اعتماد به شورای وزیران، ساختار قوه مجریه را به قوه مجریه نیمه ریاستی تبدیل نموده است (قاضی، ۱۳۸۹: ۲۳۷).

براساس فصل دوم از باب سوم پیش‌نویس قانون اساسی کشور مصر قوه اجرایی این کشور دو رکنی و متشکل از رئیس‌جمهور به عنوان رئیس کشور و نخست‌وزیر به عنوان رئیس شورای وزیران است.

۱-۲-۴- رئیس‌جمهور^(۱۴)

رئیس‌جمهور به عنوان رئیس کشور و رئیس قوه مجریه و حافظ منافع مردم و استقلال کشور با رأی مستقیم و مخفی اکثریت مردم برای مدت ۴ سال میلادی که از زمان اعلام نتیجه انتخابات آغاز می‌گردد انتخاب شده و برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده شخصی از قدرت در برابر خواسته عموم مردم این منصب فقط برای یک دوره قابل تمدید است. (قانون اساسی، ماده ۱۳۳)

* شرایط احراز تصدی پست ریاست جمهوری: (قانون اساسی، ماده ۱۳۴)

- رئیس‌جمهوری مصر باید دارای والدینی مصری باشد.
- از تمام حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشد.
- خود و والدینش دارای شناسنامه هیچ کشوری غیر از مصر نباشند.
- حداقل سن او ۴۰ سال باشد.
- همسرش تبعه کشوری غیر از مصر نباشد.
- کاندیدای شرکت کننده در انتخابات می‌بایست قبل از شروع انتخابات، مورد تأیید حداقل ۲۰ نفر از نمایندگان منتخب مجالس شورا و نمایندگان قرار بگیرد و یا از حداقل ۲۰ هزار شهروند مصری که مجاز به شرکت در انتخابات هستند از حداقل ۱۰ استان مختلف

که تعداد امضا کنندگان هر استان کمتر از ۱۰۰۰ نفر نباشد تأییدیه اخذ نماید. (قانون اساسی، ماده ۱۳۵)

* وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور:

- انتخاب نخست‌وزیر و معرفی او به مجلس برای دریافت رأی اعتماد (قانون اساسی، ماده ۱۳۹)

- وضع سیاست‌های عمومی کشور به همراه کابینه و نظارت بر اجرای آن (قانون اساسی، ماده ۱۴۰)

- دعوت از دولت جهت برگزاری نشست در امور مهم (قانون اساسی، ماده ۱۴۳)
- صدور بیانیه درباره سیاست‌های عمومی کشور و حضور در نشست دوره‌ای سالیانه مجلسین (قانون اساسی، ماده ۱۴۴)

- اعلام‌کننده مواضع کشور در روابط خارجی و مسئول امضای معاهدات پس از تصویب مجلسین (قانون اساسی، ماده ۱۴۵)

- فرماندهی کل نیروهای مسلح (قانون اساسی، ماده ۱۴۶)

- عزل و نصب کارمندان مدنی و نظامی و نمایندگان سیاسی (قانون اساسی، ماده ۱۴۷)

- اعلام حالت فوق‌العاده (قانون اساسی، ماده ۱۴۸)

- صدور عفو و تخفیف مجازات مجرمین (قانون اساسی، ماده ۱۴۹)

- صدور فرمان همه‌پرسی در مسائل مهم و مربوط به منافع عالی دولت (قانون اساسی، ماده ۱۵۰)

- نظارت بر مرز بین قوای سه‌گانه و جلوگیری از دخالت آن‌ها در امور یکدیگر (قانون اساسی، ماده ۱۳۲)

- صدور فرمان انحلال مجلس بعد از عدم رأی اعتماد به دومین نخست‌وزیر معرفی شده (قانون اساسی، ماده ۱۳۹)

۲-۲-۴- نخست‌وزیر و شورای وزیران^(۱۵)

یکی از افراد دارای تابعیت مصری که دارای حداقل ۳۰ سال سن بوده و تابعیت کشور دیگری را نیز نداشته باشد توسط رئیس‌جمهور برای دریافت رأی اعتماد به‌عنوان نخست‌وزیر به مجلس معرفی می‌شود. در صورت رأی عدم اعتماد مجلس به نخست‌وزیر معرفی شده، رئیس‌جمهور موظف است یکی از اعضای حزب دارای اکثریت مجلس

نمایندگان را به عنوان نخست‌وزیر معرفی نماید و در صورت رأی عدم اعتماد مجلس به او رئیس‌جمهور حکم انحلال مجلس نمایندگان را صادر می‌نماید. (قانون اساسی، ماده ۱۳۹)

نخست‌وزیر و اعضای شورای وزیران نمی‌توانند همزمان عضو یکی از مجلسین باشند (قانون اساسی، ماده ۱۵۶). در مورد مسائل مالی آن‌ها نیز مقررات ویژه‌ای وجود دارد برای نمونه ممنوعیت دریافت حقوق و مزایایی علاوه بر حقوق مقرر و یا ممنوعیت اشتغال به هر شغل آزاد یا اقدام تجاری یا مالی و صنعتی و ممنوعیت خرید یا اجاره و یا حتی تبادل کالا به کالای اموال دولتی. علاوه بر این تمام هدایای دریافتی به علت سمت آن‌ها متعلق به خزانه عمومی دولت است. (قانون اساسی، ماده ۱۵۸)

۳-۴- قوه قضاییه^(۱۶)

فصل سوم از باب سوم قانون اساسی مصر به مساله قوه قضاییه و ساختار و حیطه حاکمیت و اختیارات آن می‌پردازد. تنها مرجع حل و فصل اختلافات در حکومت جمهوری مصر قوه قضاییه است و تمام منازعات فردی و اجتماعی می‌بایست در این نهاد حاکمیت مطرح گردد. همانطور که پیش‌تر اشاره شد یکی از حقوق اساسی که این قانون به عنوان ضمانت اجرای حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی ذکر کرده حق اعطای دادخواست توسط مردم به مرجع صالح است و در برابر این حق قانون وظیفه و تکلیف رسیدگی و صدور رأی و اجرای حکم بر اساس قانون عادلانه را بر عهده قوه قضاییه قرار داده است.

قوه قضاییه قوه‌ای مستقل از سایر قواست. استقلال قوه قضاییه به عنوان یکی از اصول اساسی تحقق عدالت در جامعه مورد پذیرش قرار گرفته است تا حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم تحت حاکمیت سایر قوای حکومتی مورد خدشه واقع نشود و امکان تجاوز به این حقوق از ارکان تقنینی و اجرایی سلب گردد (قانون اساسی، ماده ۱۶۸).

علاوه بر استقلال نهاد قضایی در حکومت، شخص قاضی نیز در رسیدگی و صدور حکم مستقل بوده و هیچ عامل خارجی و تهدید روانی نباید او را از تحقق عدالت و عمل به قوانین و مقررات بازدارد و تنها عامل قانونی و قید مستدل و مستند بودن آراء قضایی است که قاضی را در صدور حکم مقید می‌نماید. به همین دلیل قانون اساسی سه نکته مهم را در این موضوع یاد آور می‌شود: اولاً استقلال قاضی؛ ثانیاً غیر قابل عزل بودن او و ثالثاً برابری قضات در حقوق و تکالیف با یکدیگر (قانون اساسی، ماده ۱۷۰).

یکی از حربه‌های همیشگی حکومت‌های مستبد برای مقابله با مخالفین خود تبدیل جلسات علنی قضاوت و صدور حکم به جلسات غیر علنی است که حکومت با اعمال نفوذ در آراء قضایی عرصه را بر مخالفان تنگ می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۹: ۴۲۸). برای جلوگیری از آفت اعمال قدرت عناصر حکومت در حیطه قضا قانون اساسی مقرر می‌دارد که همه جلسات دادگاه‌ها به صورت علنی برگزار می‌گردد تا علاوه بر حکم قضایی مستدل و مستند افکار عمومی نیز شاهد اجرای عدالت و مانع اعمال نفوذ قدرت‌ها باشند (قانون اساسی، ماده ۱۷۱).

قانون اساسی جهت تحقق اهداف قوه قضاییه تشکیلاتی را در نظر گرفته که عبارت‌اند از:

۱-۳-۴- دادگاه قانون اساسی^(۱۷)

از مهم‌ترین اصولی که همه قوانین اساسی به آن می‌پردازند نحوه نظارت دستور نامه‌ای و حفاظت از قانون اساسی در برابر مصوبات مغایر با قانون اساسی مجلس می‌باشد تا عالی‌ترین سند حقوقی و سیاسی جامعه از تغییر و تحریف اصول در امان باشد. حفاظت از قوانین اساسی و رعایت سلسله مراتب میان قواعد حقوقی از عناصر اصلی در قوانین اساسی نوشته در کشورهای گوناگون می‌باشد. به همین علت قوانین اساسی با ایجاد سامانه‌ای برای سنجش مطابقت سازگاری قوانین مجالس با قانون اساسی حفاظت از عالی‌ترین سند حقوقی و سیاسی جامعه را تضمین می‌نماید (عباسی، ۱۳۸۸: ۱۱۳ - ۱۰۸). در همین راستا دادگاه قانون اساسی مصر به عنوان مرجعی مستقل و دور از نظارت قوای دیگر بررسی مطابقت قوانین مصوب مجلس با قانون اساسی را برعهده دارد. این مرجع عالی‌ترین نهاد حکومتی در حفظ و حراست از قانون اساسی می‌باشد. اعضای این مرجع عالی رتبه ۱۰ نفر هستند که با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند (قانون اساسی، ماده ۱۷۶). هرچند رسیدگی این دادگاه بر تمام قوانین و مقررات حاکم نیست و تنها حق بررسی قوانین مربوط به انتخابات‌ها و برخی قوانینی که در راستای اجرای قانون اساسی (قوانین ارگانیک) توسط مجالس تصویب می‌شود را دارد (قانون اساسی، ماده ۱۷۷). لازم به ذکر است در تقسیم بندی نهادهای نظارتی بر قانون اساسی دادگاه قانون اساسی مصر در زمره نهادهای نظارتی قضایی به شمار می‌رود. (قاضی، ۱۳۸۸: ۵۰ و ۵۱)

۲-۳-۴- دادستانی^(۱۸)

دادستانی به عنوان جزء جدایی ناپذیر از دستگاه قضایی مسئولیت تحقیق و بررسی و مطرح کردن اتهامات قضایی را برعهده دارد. ریاست دادستانی دادستان کل است که بنا به حکم رئیس‌جمهور واز میان اعضای شورای عالی قضایی انتخاب می‌گردد. دادستان می‌بایست از رؤسا یا معاونان رئیس دادگاه استیناف و یا مشاوران عام دادستان باشد که برای ۴ سال و فقط یک دوره می‌توان این مسئولیت را در اختیار داشته باشد. در صورت بازنشسته شدن بین دوره دادستانی مسئولیت او نیز پایان می‌پذیرد. (قانون اساسی، ماده ۱۷۳-۱۷۱)

۳-۳-۴- شورای دولتی^(۱۹)

به عنوان دادگاهی مستقل قضایی و تنها مرجع حل و فصل منازعات اداری و منازعات اجرایی احکام به حساب می‌آید. وظیفه این دادگاه بررسی دادخواست‌ها و شکایت‌های مربوط به تخلفات انضباطی کارمندان است. تصمیم‌گیری و اظهار نظر پیرامون موارد پیش بینی شده در قوانین و بررسی قراردادهایی که یک طرف آن دولت قرار دارد از دیگر وظایف این دادگاه است. علاوه بر این پیش‌نویس مقررات و قوانین را از طرف نهاد دولتی که به این شورا ارجاع داده است، بررسی می‌کند. (قانون اساسی، ماده ۱۷۴)

۴-۳-۴- نهاد قضایی دولت^(۲۰)

به عنوان نهادی مستقل قضایی نماینده دولت در امور اختلافی است و کنترل فنی ادارات حقوقی در دستگاه‌های اداری بر عهده این نهاد است. تهیه قراردادها و حل و فصل منازعاتی که دولت یک طرف آن قرار دارد از دیگر وظایف این مجموعه است. اعضای نهاد قضایی دولت از همان مصونیت‌ها و حقوق و وظایف کارمندان قوه قضاییه بهره‌مند هستند. (قانون اساسی، ماده ۱۷۹)

۵-۳-۴- دادستانی اداری

به عنوان نهاد مستقل قضایی وظیفه تحقیق در تخلفات مالی و پیگیری شکایت‌ها در دادگاه‌های دولتی و اتخاذ تصمیم قانونی در برخورد با کوتاهی عملکرد در ارائه خدمات عمومی را بر عهده دارد. (قانون اساسی، ماده ۱۸۰)

۶-۳-۴- دادگاه نظامی

نهاد قضایی نظامی نهادی مستقل است که رسیدگی به جرایم متعلق به نیروهای مسلح

افراد و افسران آن را بر عهده دارد و تمام جرایمی که در داخل نهادهای نظامی یا تأسیسات نیروهای مسلح رخ می‌دهد در حوزه صلاحیت‌های این نهاد است. غیر نظامیان تنها در صورتی در این محکمه محاکمه می‌شوند که جرم آن‌ها آسیبی به نیروهای مسلح وارد کرده باشد. (قانون اساسی، ماده ۱۹۸)

۷-۳-۴- قانون اساسی از وکلا و کارشناسان حقوقی

به عنوان ارکان تحقق عدالت قضایی یاد کرده و برای کارشناسان همان مصونیت و حقوق و مزایای قضات را در نظر گرفته است. (قانون اساسی، ماده ۱۸۱ و ۱۸۲)

۴-۴- نظام محلی و اداری

بر اساس قانون اساسی مصر؛ دولت به واحدهای مختلف محلی تقسیم می‌گردد و این واحدها از شخصیت حقوقی برخوردارند و این تقسیم‌بندی به گونه‌ای صورت می‌گیرد که واحدهای اداری بتوانند خدمات محلی به نحو احسن ارائه نمایند. بر این اساس مایحتاج فنی، اداری و مالی به صورت توزیع عادلانه امکانات و منابع میان بخش‌های محلی مختلف سازماندهی می‌شود. (قانون اساسی، ماده ۱۸۴)

اما نهادهای محلی به صورت عدم تمرکز یا خودگردانی محلی اداره می‌شوند. در این سیستم از طریق قانون اساسی اختیارات ویژه‌ای به نهاد مردمی محلی به نام «شوراها» اعطا می‌گردد تا اختیار تصمیم‌گیری اداری در محل را داشته باشند و به وسیله عوامل اجرایی خود آن‌ها را اجرا کنند. بر همین مبنا برای هر واحد محلی با رأی مستقیم مردم اعضای شورا به مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند. نامزد حضور در شوراهای محلی باید حداقل ۲۱ ساله باشد. (قانون اساسی، ماده ۱۸۸)

۵-۴- کمیسیون ملی انتخابات

تنها نهاد مسئول در اجرای همه‌پرسی و انتخابات‌های ریاست جمهوری، پارلمانی و محلی کمیسیون ملی انتخابات است و تمامی وظایف مربوط به انتخابات از ابتدا تا پایان کار اعم از تهیه بیانیه رأی‌دهندگان، ارائه تقسیمات حوزه‌های انتخابیه، تعیین ضوابط سرمایه‌گذاری و هزینه‌های تبلیغاتی و اعلام نتایج بر عهده این کمیسیون است. (قانون اساسی، ماده ۲۰۸)

اعضای کمیسیون ملی انتخابات عبارت‌اند از: شورای متشکل از ۱۰ عضو که به

صورت مساوی از میان نمایندگان روسای دادگاه فرجام و دادگاه‌های تجدیدنظر، شورای دولت و دستگاه‌های قضایی دولت و دادستانی اداری برای یک دوره ۶ ساله انتخاب می‌شوند و رئیس آن قدیمی‌ترین عضو دادگاه فرجامی است. نیمی از اعضا هر سه سال یکبار تغییر می‌کنند و اعضا می‌توانند در اجرای وظایف خود با کارشناسان و متخصصان امور انتخاباتی مشورت نمایند. این کمیسیون در اجرای وظایف محوله از ضمانت اجرای کافی برخوردار است و از تاریخ اجرایی شدن قانون اساسی به مدت ۱۰ سال قوه قضاییه بر رأی‌گیری و شمارش آرا نظارت خواهد داشت. (قانون اساسی، ماده ۲۰۹)

مسئول رسیدگی به شکایات و اعتراضات از کمیسیون ملی انتخابات در رابطه با روند همه‌پرسی انتخابات‌های پارلمان و ریاست جمهوری دادگاه عالی اداری است و در انتخابات‌های محلی دادگاه قضایی اداری مسول رسیدگی خواهد بود و اعتراض به نتایج تنها بعد از اعلام رسمی آن پذیرفته می‌شود.

۵- تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر

قانون اساسی جمهوری مصر می‌بایست پیش از هر چیز نشانگر آرمان‌های مردمی باشد که در جریان بیداری اسلامی در افکار و آراء و نظریات این ملت مسلمان متبلور گردیده بود. مجموعه این مطالبات در سه عنصر زیر قابل نمایش است:

- هویت اسلامی

- وحدت اسلامی

- روحیه استکبار ستیزی

بررسی نحوه قانونگذاری در این زمینه‌ها در قانون اساسی می‌تواند تحلیل جامعی از محتوی قانون اساسی مصر ارائه نماید.

۵-۱- هویت اسلامی

انقلاب مردم مصر با ریشه‌های عمیق اسلامی صورت پذیرفت و مردم همواره در طول این دوران پیوند ناگسستنی خود را با اسلام و انگیزه‌های اسلام خواهانه حفظ نمودند و در تصمیمات مهم خود مثل انتخاب رئیس‌جمهور و انتخابات مجلس مؤسسان قانون اساسی با اعتماد به اسلام‌گرایان خواهان تحقق حکومتی اسلامی بودند. آن‌ها همواره با الگو قراردادن قرآن کریم به دنبال زندگی اجتماعی مستقل بودند و آیه «و لن يجعل الله

للكافرين على المؤمنين سبيلا» (نسا، ۱۴۱) را چراغ راه خود در مبارزات قرار دادند. مسلمانان که چیزی بیش از ۹۰ درصد جمعیت ۸۰ میلیون نفری مصر را تشکیل می‌دهند با تأسی به فرموده رسول گرامی اسلام که بین می‌دارند «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه» (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۳۴) به دنبال زنده نمودن هویت مستقل بر اساس اصول دین مبین اسلام‌اند. در برابر این جریان اسلام خواهانه پیش‌نویس قانون اساسی مصر تنها در چند مورد آن هم به صورت کاملاً محدود و فاقد ضمانت اجرای حقوقی به هویت اسلامی اشاره نموده است. جمهوری عربی مصر به عنوان جزء تقسیم‌ناپذیر امت عربی و اسلامی دانسته شده و دین اسلام به عنوان دین رسمی حاکم بر کشور مصر معرفی شده. در مقابل این اشاره مختصر، هویت ناسیونالیستی عربی بسیار پررنگ ذکر گردیده و در کنار دین مبین اسلام، ادیان یهود و مسیحیت به عنوان اقلیت‌های دینی در قانون اساسی شناخته و معرفی شده‌اند. آزادی‌های ادیان مزبور در زمینه‌های مختلف به ویژه احوال شخصیه به وسیله قانون اساسی تضمین شده است. قانون اساسی تشکیل هرگونه حزب که باعث تفرقه میان مردم گردد را ممنوع اعلام نموده و این خود محدودیتی جدی برای اسلام خواهان به شمار می‌آید.

متن پیش‌نویس هرچند با جنجال‌های فراوان اسلام را به عنوان منبع قانونگذاری معرفی نموده اما عدم تبدیل این تفکر به اندیشه حقوقی و عدم تعیین نهادی حاکمیتی برای تطابق مصوبات مجالس با شریعت اسلامی این اصل را به صورت ماده‌ای شعاری و بدون ضمانت اجرای حقوقی باقی گذاشته است و در صورت وضع قانونی مخالف با شریعت اسلامی قانون مصوب لازم‌الاجرا می‌باشد. این درحالیست که یک فصل جداگانه از قانون اساسی به ضمانت اجرای حقوق بشر و آزادی‌های فردی تعیین شده در پیش‌نویس قانون اساسی اختصاص یافته است که مقایسه این دو می‌تواند گویای واقعیت فوق باشد.

از نکات قابل ذکر در این زمینه اشاره قانون اساسی به الازهر شریف به عنوان مرجعی علمی واجتماعی است که حق اظهار نظر در مسائل شرعیه را داشته و به عنوان نهادی مستقل دارای بودجه‌ای دولتی است. هرچند اشاره به الازهر به عنوان مؤسسه دینی در راستای ترویج هویت اسلامی از نکات برجسته است اما برای نظرات این مجموعه در راستای مسائل دینی نیز ضمانت اجرایی وجود ندارد. تنها در ماده (۴) پیش‌نویس تصریح

شده است که نظر هیات علمای بزرگ الازهر در امور مرتبط با شریعت اسلامی اخذ می‌گردد. به نظر می‌رسد که این ماده نیز تنها برای راضی نمودن خواهان اضافه شده و الازهر مطابق پیش‌نویس قانون اساسی فاقد جایگاه قانونی مشخص و تأثیرگذار در نظام حقوقی مصر خواهد بود.

حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی تعیین شده در پیش‌نویس بر مبنای ارزش‌های والای اسلامی تنظیم نگردیده و آزادی مطلق برگرفته از حقوق غرب بر آزادی‌های انسانی اسلامی مرجح شده است. هیچ یک از حقوق و آزادی‌های مذکور در پیش‌نویس مقید به ضوابط شرعی و اسلامی نگردیده‌اند.

در نتیجه آن طور که مردم مصر با اهداف اسلام خواهانه وارد عرصه مقابله با حکومت طاغوت زمان خود شدند، قانون اساسی به هویت اسلامی به عنوان یکی از ارکان اصلی تحقق انقلاب توجه نکرده است و بیشتر مطابق خواسته عده‌ای ملی‌گرای سکولار تدوین گردیده است و هویت اسلامی در قانون اساسی به صورت جدی در حال تهدید است.

۲-۵- وحدت اسلامی

ملت و نخبگان مصر همواره در راستای تحقق اعتصام به حبل الله و ایجاد وحدت میان مسلمانان گام برداشته‌اند. در تاریخ مصر نام‌های آشنایی مانند شیخ محمد عبده (مطهری، ۱۳۹۱: ۳۶)، شیخ محمود شلتوت (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۷) و جناب سید قطب (شاهد بیدار، ۱۳۸۴: ۱۴۶ - ۱۳۰) مدال تقریب مذاهب اسلامی را بر سینه دارند. آنان آفت بزرگ جوامع اسلامی را ملی‌گرایی می‌دانند و معتقدند تا هنگامی حلقه مفقوده وحدت به جامعه مسلمین بازنگردد امپریالیست غرب با حربه تفرقه بر منابع مالی متعلق به جوامع اسلامی چنگ می‌زنند و آنان را در فقر و گرسنگی باقی نگاه می‌دارند. او مرز جوامع اسلامی را در هم می‌شکند و معتقد است هر جا مسلمانی هست آن جا قلمرو جامعه اسلامی است. (به نقل از مصر الفتاه، فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره ۶: ۲۷۸) افتتاح جماعت تقریب مذاهب اسلامی به وسیله افرادی مانند شیخ شلتوت (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰: ۵) و نامه نگاری‌های وی و سید قطب با علمای شیعه نشانگر عمق اعتقاد آنها به تحقق حاکمیت واحد اسلامی به دور از تعصبات مذهبی است. اما در راستای تحقق وحدت اسلامی قانون اساسی مصر بدون توجه به نقش عمده حکومت و مردم این کشور در عملی ساختن وحدت میان فرق

مختلف امت اسلامی و نقش الازهر در پرچمداری تقریب مذاهب در سال‌های گذشته بدون کم‌ترین اشاره به حقوق شیعیان مصری، مذاهب رسمی اسلامی و مبادی شریعت را در «مذاهب اهل سنت و جماعت» خلاصه کرده است. و به مذهب تشیع به عنوان یکی از مذاهب اسلامی هیچ اشاره‌ای ننموده است. این در حالی است که آزادی ادیان مسیحیت و یهودیت به تصریح مورد توجه واقع شده و در این زمینه نیز قومیت‌گرایی عربی بسیار پر رنگ‌تر از تحقق امت واحده اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد مجلس مؤسسان به جای توجه به خواسته ملت مصر در راستای دستیابی به وحدت اسلامی خواسته عده‌ای سلفی افراطی را ترجیح داده است.

۳-۵- روحیه استکبار ستیزی

مقابله با مستکبرین جهانی بالاخص آمریکا و رژیم اشغالگر قدس و لغو تمام پیمان‌های فی مابین دولت مصر و این کشورها (به ویژه پیمان کمپ دیوید) در کنار حمایت از مستضعفین جهان به ویژه فلسطینیان مظلوم از اساسی‌ترین خواسته‌های مردم مسلمان مصر در جریان تحقق انقلاب در این کشور بود. در حالی که نحوه تقسیم قدرت و اختیارات فراوان نظامیان و قضات به عنوان نهادهای بازمانده از حکومت مبارک این هدف اساسی را مورد تهدید قرار داده است.

در امور نظامی همچنان استقلال ارتش حفظ گردیده و اداره امور نظامی به عهده نظامیان قرار داده شده است. نحوه تقسیم قدرت در نیروهای نظامی به نحو ذیل است:

(۱) ارتش به عنوان ملک ملت متعلق به عموم مردم مصر است و شورای عالی دفاع ملی براساس قوانین عادی تشکیل می‌گردد. وزیر دفاع نیز به عنوان مقام رسمی دارای اختیار در ارتش از میان افسران عالی رتبه نیروهای مسلح انتخاب می‌شود.

(۲) شورای عالی امنیت ملی که به ریاست رئیس‌جمهور و تعدادی از مسئولین لشکری و کشوری تشکیل می‌شود اختیارات عمده‌ای در زمینه جنگ و صلح و سیاست‌های نظامی دارد و تأثیر نظامیان در آن قابل چشم‌پوشی نیست.

به این ترتیب نظامیان باقی مانده از حکومت مبارک حتی در صورت انتخاب رئیس‌جمهور اسلام‌گرا و استکبار ستیز سد عمده‌ای در مبارزه با مستکبرین به حساب می‌آیند؛ چرا که اختیار رئیس‌جمهور در ریاست کل قوا اختیاری تشریفاتی است و در

شورای عالی امنیت ملی نیز تنها یک رأی دارد. به عبارت دیگر در امور نظامی تصمیم‌گیری و اختیارات به عهده شورای عالی امنیت ملی و ارتش قرار داده شده است و عملاً رئیس‌جمهور در این امور به تنهایی اختیار تصمیم‌گیری ندارد.

در سیاست خارجی و معاهدات خارجی و بین‌المللی نیز عملاً دست رئیس‌جمهور بسته شده و این امور تنها با تصویب هر دو مجلس دارای اعتبار دانسته شده است. بر این اساس رئیس‌جمهور بدون تصویب مجلسین اختیار تغییر معاهدات قبلی و امضای معاهدات جدید را ندارد. لذا می‌توان ادعا نمود که رئیس‌جمهور در حوزه سیاست خارجی نیز دارای اختیارات زیادی نخواهد بود.

بر این اساس امور نظامی و سیاست خارجی به عنوان دو حوزه مهم حکومت در حیطه صلاحیت نهادهای دیگر غیر از رئیس‌جمهور منتخب مردم قرار داده شده و لذا ملت مصر در مسیر قانونی نمودن اهداف اصلی انقلاب خود به توفیق فراوانی دست نیافتند و این اهداف در معرض تهدیدی جدی قرار دارد.

نتیجه‌گیری

قانون اساسی ۲۰۱۳ مصر با همه فراز و فرودهای تاریخی و درگیری‌های مردمی سرانجام در همه‌پرسی و با آراء موافق اکثریت مردم به تصویب رسید. توجه گسترده به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و تعیین ضمانت اجراهای مشخص برای آنها از نکات برجسته این قانون است هرچند اطلاق آزادی‌های فوق بیشتر گریته‌برداری از نمونه‌های غربی حقوق بشر را به ذهن متبادر می‌سازد. ساختار حکومتی طراحی شده نیز مطابق با تفکر تفکیک قوای مونتسکیویی و مانند مدل رژیم‌های نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی می‌باشد و می‌تواند تا حدی مانع از هواپرستی و استبداد حاکمان گردد (غمامی، ۱۳۸۷: ۳۶۶ و ۳۸۱). لازم به ذکر است ساختار حکومتی مصر بر اساس قانون اساسی ۲۰۱۳ تفاوت چندانی با مدل قانون اساسی ۱۹۸۰ ندارد و صرف ساختار سازی نمی‌تواند مانع موفقیتی برای جلوگیری از خودسری حکام باشد. هرچند اختیارات رئیس‌جمهور در مسائل نظامی توسط نظامیان و در سیاست خارجی توسط مجلس به نحو گسترده محدود شده و همچنین رئیس‌جمهور در قوه قضائیه دارای اختیارات فراوانی نمی‌باشد اما این قوه همچنان در دست قضات وابسته به دولت سابق مصر است. اما پیرامون نقش حاکمیت اسلامی در

عرصه سیاسی اگرچه در قانون اساسی، اسلام به عنوان منبع اصلی قانونگذاری معرفی شده و نام الازهر شریف در قانون اساسی آمده و تصریح شده که در مسائل اسلامی نظر این نهاد گرفته می‌شود، لیکن نگاهی به سایر بخش‌های قانون اساسی نشان می‌دهد که این موارد حالت شعاری و نمایی داشته و دارای هیچگونه ضمانت اجرا نمی‌باشند. به عبارت دیگر عملاً اسلام به صورت نهادینه وارد در ساختار حکومت نگردیده است. مدل ساختاری اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصل ۲ متمم قانون اساسی مشروطه که نوعی نظارت استصوابی را برای فقهای صاحب نظر در برابر مصوبات مجالس قانونگذاری طراحی نموده است؛ الگوی عملی قابل استفاده به وسیله تمام کشورهای اسلامی در راستای حفاظت از اصول شریعت می‌باشد. همچنین از آنجا که ملت و نخبگان مصر همواره در مسیر تقریب مذاهب اسلامی پیش قدم بوده‌اند جا داشت که قانون اساسی مصر حقوق شیعیان مصری را به رسمیت می‌شناخت.

یادداشت‌ها

- ۱- اصل پنجم: نظام سیاسی جمهوری عربی مصر بر پایه سیستم چند حزبی اداره می‌شود که در چارچوب اصول و مبانی بنیادین جامعه مصری بوده و در قانون اساسی به آن تصریح شده است.
- ۲- اصل دوم: دین رسمی کشور اسلام، زبان رسمی آن عربی و منبع اصلی قانون‌گذاری، شریعت اسلام است.
- ۳- اصل یکصد و شصت و چهارم: شوراهای تخصصی ملی در سطح ملی تشکیل می‌شوند تا بتوانند به طراحی سیاست عمومی کشور در تمامی زمینه‌های فعالیت‌های ملی مساعدت نمایند. این شوراها بایستی تحت نظارت رئیس‌جمهور باشند.
- ۴- اصل چهل و هشتم: آزادی مطبوعات، چاپ، نشریات و رسانه‌های گروهی بایستی تضمین شود. سانسور روزنامه‌ها ممنوع است و اخطار به آن‌ها، تعلیق و یا تعطیل آن‌ها بایستی براساس روش‌ها و رویه‌های اداری باشد. در حالت اضطراری یا در زمان جنگ، سانسور محدود روزنامه‌ها، نشریات و رسانه‌های گروهی در مورد موضوعات امنیت ملی و یا برای اهداف امنیت ملی می‌تواند براساس قانون اعمال گردد.
- ۵- مجلس الشعب.
- ۶- الشعب یرید اسقاط النظام.
- ۷- مقومات الدولة و المجتمع.
- ۸- الحقوق والحريات.
- ۹- السلطات العامة.
- ۱۰- السلطة التشريعية.
- ۱۱- مجلس النواب.
- ۱۲- مجلس الشورى.
- ۱۳- السلطة التنفيذية.
- ۱۴- رئیس‌جمهوریه.
- ۱۵- الحكومة.
- ۱۶- السلطة القضائية.
- ۱۷- المحكمة الدستورية العليا.
- ۱۸- النيابة العامة.
- ۱۹- مجلس الدوله.
- ۲۰- هیئة قضايا الدولة.

منابع و مآخذ

الف) فارسی و عربی

قرآن کریم

آقابخشی، علی (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.

احمدی، مهدی (۱۳۸۳)، طلایه‌داران تقریب، تهران: انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب.

الدستور المصری، ۲۰۱۱.

الدستور المصری، ۱۹۸۰.

ال مدکس، رابرت (۱۳۸۵)، قوانین اساسی کشورهای جهان، ترجمه سید مقداد ترابی، تهران: نشر شهر دانش.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۰)، شیخ محمود شلتوت، طلایه‌دار تقریب، تهران: انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب.

بیدار، شاهد (۱۳۸۴)، «شهید سید قطب»، مجله اندیشه تقریب، صص ۱۳۰-۱۴۶.

شیخ صدوق (۱۳۶۷)، من لایحضره الفقیه، تهران: نشر صدوق، ج ۴.

عباسی، بیژن (۱۳۸۸)، مبانی حقوق اساسی، تهران: انتشارات جنگل.

غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۷)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

فتاحی، علی (۱۳۹۱)، تحلیل و بررسی پیش‌نویس قانون اساسی مصر، پژوهشکده مجازی حقوق، شماره مسلسل ۹۱۰۹۲۷۰۱۰.

فصلنامه تاریخ فرهنگ معاصر، شماره ۶، ص ۲۷۸، به نقل از مصر الفتاه، ۶ سپتامبر ۱۹۵۱م.

قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل (۱۳۸۹)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.

قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: نشر میزان.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون اساسی مشروطه.

گلی زواره، غلامرضا (۱۳۷۲)، سرزمین اسلام (شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان نشین جهان)، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

لمباردی، کلارک. ب (بی تا)، «اسلام و حقوق اساسی در مصر»، ترجمه حسن رضایی، نشریه راهبرد، صص ۲۷۱-۳۰۴.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران: انتشارات صدرا.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان، ج ۲.

ب) پایگاه‌های اینترنتی

<http://inn.ir>.

<http://mideast.foreignpolicy.com>